

جمعه‌ها منتشر میشود
سردبیر: ثریا شهابی

خودداری کردند و دست به راهپیمایی زدند. معلمان شعار میدادند "معلم آزاده اتحاد اتحاد"، "مستولین مملکت خجالت خجالت"، "فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن"، "افغانستان را رها کن فکری به حال ما کن"، "مستولین مملکت علم بهتر است یا ثروت!" و "اعتصاب اعتصاب تنها راه حل ما". در طول راهپیمایی تعداد قابل توجهی از مردمی که شاهد این اعتراض بودند به صف این تظاهرات بزرگ پیوستند و از خواست عادلانه معلمان حمایت کردند. تلاش نیروهای انتظامی برای متفرق کردن معلمان در اثر روحیه بالای تظاهرات کنندگان و هوشیاری آنان به جانی نرسید. معلمان تهران قرار است جمعه ۲۸ دیماه نیز دست به تجمع بزنند.

تظاهرات و راهپیمایی هزاران معلم معترض

سه شنبه ۲۵ دیماه، به دعوت سازمان معلمان قریب ده هزار نفر از معلمان تهران از سه بعدازظهر در تالار فرهنگ تهران اجتماع کردند. معلمان در اعتراضات اخیر خود خواهان افزایش ۲۵ درصد افزایش حقوق و خواستهای رفاهی از جمله حق مسکن و بیمه شده اند. در این اجتماع سخنرانی رئیس آموزش و پرورش و دیگر مسئولین سازمان معلمان توسط حاضرین هو شد و معلمین معترض با شعارهای «بیست و سه سال سکوت تا کی»، «مشکل ما حل نشه مدرسه تعطیل میشه»، "معلم معلم اعتصاب اعتصاب" "اصلاحات دروغ است"، خشم خود از مسئولین حکومتی و عزم خود برای رسیدن به خواستهایشان را نشان دادند. این اجتماع به اعتراض گسترده و یکپارچه معلمان علیه وزارت آموزش و پرورش تبدیل شد. در خاتمه این جلسه، تلاش شد که معلمان را با اتوبوسهایی که برای برگرداندن آنها به خانه هایشان تدارک دیده شده بود از محل دور کنند اما معلمان از سوار شدن بر اتوبوسها

فعالیت

کمونیستی

در دانشگاهها

بهرام مدرسی

میپردازیم. با طرح یک سوال وارد این بحث میشویم:

صفحه ۳



بخش چهارم:
تشکل های علنی

در بخش سوم به سوال چه باید کرد؟ جواب دادیم. در این بخش بطور مشخص به تشکلهای علنی

باورهای اسلامی

رزگار پیرخضرائی

یک نمونه بارز می توان به حوادث اخیر ۱۱ سپتامبر اشاره کرد. برآستی اگر مسببین این جنایت هولناک در محیطی کاملاً بدور از باورها و خرافه های مذهبی رشد کرده بودند، آیا زمینه های ذهنی دست یازیدن به چنین عمل هولناکی برایشان وجود میداشت؟ واضح است که این عمل انتحاری ریشه در باورهای مذهبی اسلامی داشت و اعتقادات مذهبی یکی از عوامل اصلی در به وقوع پیوستن این فاجعه بود. در یک نگاه جدی به چهره کریه و دهشت

صفحه ۲



بدون شک اعتقادات مذهبی در جهان امروز مصائب و گرفتاریهای فراوانی را گریبانگیر بشریت نموده است. اگر کسی بخواهد نگاهی بر نقش مخرب باورهای مذهبی بر زندگی انسانها طی چند سال اخیر بیاندازد، میتواند دلایل بسیاری برای اثبات اینکه بین باورهای اسلامی و جنون یک حلقه بسیار قوی و ناکستنی وجود دارد، اقامه کند. به عنوان

"اعتصاب اعتصاب تنها راه حل ما" "معلم معلم اعتصاب اعتصاب" "اصلاحات دروغ است"

را داریم نمیخواند. بگوئیم که مدارس اسلامی یعنی فقر معلمان، یعنی خرافات عصر حجر، یعنی تبعیض جنسی، یعنی کار بعداز درس برای امرار معاش، یعنی بگوئیم که این ارتجاع مذهبی را نمیخواهیم!

دانشجویان مبارز!

وقت آنست که تربیون دانشگاهها را در اختیار مردم قرار دهیم. از مبارزات معلمان حمایت کنیم و بگذاریم که از امکانات دانشگاهها برای رساندن صدای اعتراضشان به مردم استفاده کنند. دانشگاه جای نماز جمعه نیست! دانشگاه جای حمایت از مبارزات مردم است!

**مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری
سازمان جوانان کمونیست**

نباشد، زندگی که بنیانش بر خوشبختی و سعادت انسانها بنا گشته است، با وجود سرتاپای رژیم اسلامی مغایرت دارد باید از مبارزات معلمان تهران حمایت کرد!

دانش آموزان مبارز!

کلاسهای درس را در حمایت از معلمان تعطیل کنیم! از اعتصاب معلمان حمایت کنیم. نگذاریم که وابستگان رژیم اسلامی به اعتراضات معلمان حمله کنند. در اجتماعات آنها شرکت کنیم و نشان دهیم که اجازه حمله به آنها را نمیدهیم! همه را تشویق به حمایت از اعتراضات آنها کنیم.

نشان دهیم که "مدرسه اسلامی" به آخر خط رسیده است. نشان دهیم این زندان اسلامی که نام مدرسه را به آن نهاده اند ذره ای با مدرسه واقعی که ما آرزویش

اینها بخشی از شعارهای تظاهرات و اعتراض دهه زارنفری معلمان روز سه شنبه ۲۵ دیماه تهران بودند. اعتراضی که فقط مربوط به معلمان نمیشود. خواست اضافه دستمزد، بهداشت، مسکن و بیمه های درمانی خواست تک تک انسانهایی است که دیگر جهنم جمهوری اسلامی را تحمل نمیکند.

فقری که به یمن میلیونر شدن سران رژیم اسلامی از رفسنجانیها گرفته تا خاتمیها و خامنه ایها بر مردم تحمیل شده است. فقری که به یمن میلیونها دلار کمک به مرتجعین اسلامی در همه جای دنیا بر تمام اقشار کار کن جامعه تحمیل شده است، دیگر قابل تحمل نیست! خواست زندگی آزاد و مرفه، زندگی که در آن آثاری از فقر و نکبت گرسنگی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگوی

دوستانه

اما بی تعارف

دیالوگهایی در مورد تحلیل اوضاع سیاسی و روند اوضاع در ایران، چه باید کرد ها و چه نباید کردها، در جریان است. بموازات پیشرفت بحث ها، تعداد بیشتری با دیدگاههای مختلف در آن شرکت می کنند. مجموعه این گفتگوها را می توانید روی سایت های «جوانان کمونیست» و «روزنه» بخوانید.

www.jawanan.org
www.rowzane.com



درحاشیه مناظرات ... با تبرزدی

دنباله مطلب شماره قبل

اسد کلچینی

رهبران و پیشروان زیادی هستند که حامل این اعتراضات هستند، ولی هنوز نتوانسته اند آنرا زیر چتری گرد آورند و این مشکل کنونی است. رنجی که جنبش دانشجویی میبرد از این است. مهم این نیست که بخش فعال این جنبش بطور متشکل، در ابتدا چقدر نیرومند یا ضعیف وارد کشمکش های سیاسی و اجتماعی میشود، مهم این است که حضور داشته باشد. این جنبش در ادامه خود میتواند بقدرت عظیمی تبدیل شود به دلیل خیلی ساده که تمام نیازهای واقعی جامعه را در خود دارد و نمایندگی میکند. همانطور که اشاره کردم ابتدا باید جنبش را بحرکت در آورد و باید وجود داشته باشد تا بتوان برایش تشکل ساخت. همه فعالین این طرز فکر و سیاستها و خواستها، مجامع و محافل و شبکه های خود را باید داشته باشند و برای مستحکم کردن آن و انسجام فکری و عملی آن باید کار کرد و باید دیگران را هم رای و هم نظر کرد و به نقد محدودیتها و ناتوانیهای جنبشهای دیگر پرداخت. در شرایط کنونی تشکل های این جنبش به هر شکلی و نهادی که رهبران آن مناسب تشخیص دهند در میاید و باید متناسب با شرایط پلیسی

از صفحه ۱

آور مذهب، میتوان ارتکاب هزاران قتل و جنایات ناموسی توسط انسان هایی با باورهای مذهبی را دید. در اوج بربریت و دیوانگی پدران و برادران در خانواده باعث قتل دختر و خواهر خویش می شوند. ریشه این نوع جنایات را در اعتقادات مذهبی این افراد باید جست. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، باورهای مذهبی در بسیجیان و پاسداران معتقد به اسلام در سرکوب و کشتار آزادی خواهان و مردم نقش بسزایی داشته است. قدرت طلبی و انباشت سرمایه و استثمار مردم توسط حاکمان اسلامی در ارتباط تنگاتنگ با باورهای کثیف

هم باشد. تشکلهای متنوع و مختلفی که این جنبش چه خود میتواند ایجاد کند و چه در تشکلهایی که وجود دارد با روشن بودن خط و جهت خودش وارد میشود و آنها را دگرگون میکند، کانال های بسیار زیادی هستند که این جنبش خود را در آن باز میابد و سخنگویان خود را در همه سطوح وجود میآورد. دانشگاه هم در صف مقدم این فعالیت قرار دارد و بسیاری از ملزومات آن به دلیل حضور طبیعی با هم بودن و درس خواندن و زندگی کردن وجود دارد. سطح دیگر نیازمندی این جنبش حضور دائم محافل و تشکل های کمونیستی است. این تشکل در هر محل بر اساس روابطی سیاسی و عادی که وجود دارد شکل میگیرد که هم اکنون در میان همه فعالین سیاسی در دانشگاه وجود دارد و هیچگاه و حتی در سخت ترین شرایط خفقان کسی میتواند این را مانع شود. این محافل کانون بحث های سیاسی و مطالعه آثار و ادبیات سیاسی و جریانات سیاسی هستند. این کانون های کمونیستی در شرایط کنونی بعنوان مهمترین عناصر بحرکت درآوردن جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی در دانشگاه است. امروز تصمیم و نقشه های این کانون ها برای بحرکت درآوردن این جنبش مهمترین کار کمونیستی در دانشگاه محسوب میشود. وجود نشریات و ادبیات کمونیسم کارگری تضمینی برای این حرکت مهم است. علاوه بر این سطح از فعالیت که مخفی میباشد. بقیه فعالیتهای این محافل مارکسیستی و کمونیستی علنی میباشد؛ انتقاد ما به جامعه سرمایه داری، برابری و آزادی کارگر و کل جامعه و اعتراض به وضع بد خوابگاه و نداشتن روزنامه و تبعیض جنسی و ... همه در قالبهای مختلف و متنوع از

طرف کسانی که این را قبول دارند ممکن است. اشکال توده ای این حرکت را رهبران و فعالین تعیین میکنند. اما آنچه امروز نیازمند جنبش دانشجویی است، بحرکت درآوردن جنبش سوسیالیستی، انسجام دادن به آن و تعیین حرکت های توده ای آن و ایجاد چترهایی است که بتوان توده وسیع دانشجو را در زیر آن جمع و متشکل کرد. حزب کمونیست کارگری ایران در بطن جامعه وجود دارد آن را مال خود کنید.

خواست داشتن جامعه ای آزاد و برابر و عدالت خواه، عمیقاً در جامعه وجود دارد، حزب ما به این خواست تعلق دارد و جنبش دانشجویی میتواند این حزب را مال خود کند. تاریخ مبارزات سیاسی ما در دانشگاه هیچگاه چنین حزبی را در جامعه سراغ نداشته است که به انتخابش بپردازد. شرایط خفقان باعث شده است تا از جمله حزب کمونیست کارگری نتواند در فعالیت داخل کشور و در همه عرصه های مبارزه با تشکیلات علنی و رهبران شناخته شده کمونیست و نشریات و ادبیاتش حضور داشته باشد، اما این محدودیت نمیتواند مانع از این شود که حزب به مردم و مردم به حزب دسترسی داشته باشند. تا کنون هم دیوار خفقان بسیار تلاش کرده این پیوند و رابطه برقرار نشود اما فعالیت ما چه در خارج کشور، چه در داخل و بویژه وجود رادیو انترناسیونال و سایت های حزب و نشریات حزب در داخل این را در سطحی پاسخ داده است. امروز با تحمل کمی مشکلات میتوان به حزب و نظرات و ادبیاتش دسترسی پیدا کرد. خوشبختانه بسیاری از مبارزین کمونیست و انقلابی این کار را میکنند باید حزب را وسیعاً در دسترس دانشجویان قرار دهیم. ***

چه باید خواست؟

علی جوادی

در شماره قبل «جوانان» مقدمه پاسخ علی جوادی به یاد اصلائی را خواندید. در این شماره قسمت هایی از این پاسخ را می خوانید.

چه میخواهیم؟

آقای اصلائی بدون شک تصویر همگان از یک زندگی مطلوب و ایده آل یکسان نیست. و باید اضافه کرد که تبیین و تفسیر همگان نیز از مسائل، معضلات و ناهنجاریهای که جامعه گریبانگیر آن است نیز بیشک یکسان نیست. حتی همگان معضلات اجتماعی را یکسان نمی بینند. انسانها در تلاش هر روزمرشان برای بقاء مادی خود وارد روابط متقابل اجتماعی میشوند. در هر مقطع در مناسباتی با هم بسر میبرند که حول محور تولید و بازتولید سازمان یافته است. همگان در یک مکان و جایگاه اقتصادی قرار ندارند. جامعه دارای طبقات اجتماعی متخاصم است. تاریخ کلیه جوامع طبقاتی تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. تاریخ مبارزه میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم. این جدال منشاء اساسی تمام تغییر و تحولاتی است که در جامعه صورت می پذیرد. جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ایران یک جامعه طبقاتی است. دو قطب اصلی، دو اردوگاه طبقاتی اصلی، رودروی هم قرار گرفته اند، کارگر و سرمایه دار، پرولتاریا و بورژوازی. این مبارزه، این مبارزه طبقاتی که ریشه در مناسبات تولیدی و اقتصادی جامعه دارد پیشبرنده تاریخ واقعی و عنصر دگرگون کننده مناسبات اجتماعی است. اما طبقات متخاصم جامعه لخت و عریان در مقابل هم صف آرایی نمیکنند و با یکدیگر درگیر نمیشوند و جرقه بهم نمی زنند. جنبشهای اجتماعی آن حلقه واسطی هستند که این مبارزه طبقاتی از کانال و مجرای آن به پیش برده میشود. جنبشهای اجتماعی در پاسخ به مسائل مبرم و گرهی اجتماعی و سیاسی شکل میگیرند و سرنوشت کشمکشهای طبقاتی از این دریچه حل و فصل میشود. و تاریخ واقعی را در هر دوره به پیش میبرند. اما این جنبشهای اجتماعی افقهای متفاوتی را در مقابل جامعه قرار میدهند. پرچم و اهداف متفاوتی را در جامعه علم میکنند. سنتهای متفاوت مبارزاتی و اجتماعی متفاوتی را شکل میدهند. برای پیشروی



نیروی مادی خود در جامعه را بسیج میکنند. میکوشند در کشمکش با سایر گرایشات موجود به پرچم تحولات اجتماعی تبدیل شوند. این جنبشها احزاب سیاسی را از خود بیرون میدهند. گاه احزاب متعدد حتی در یک جنبش اجتماعی. این احزاب افقهای جنبشهای اجتماعی متفاوت را متعین میکنند. پرچم سنتهای مبارزاتی فی الحال موجود را بلند میکنند و کشمکش طبقات اجتماعی تحت این پرچمهای سیاسی و سنتهای مبارزاتی احزاب معین به جلو برده میشود. انسانها در این جنبشها و در این سنتهای مبارزاتی و اعتراضی شرکت میکنند. در جهان واقعی هیچ مقوله ای حتی مقولات تجریدی از خلاقیت هنری و ادبی گرفته تا اخلاقیات و غیره بدون ارجاع به این مبارزه و کشمکش دائمی در جامعه فی النفسه قابل درک و بررسی نیستند. برای ارزیابی و شناخت واقعی از نیروهای سیاسی باید به جنبشهای اجتماعی اشاره کرد که این سازمانها در دل آن شکل گرفته و قوام یافته اند. باید پرچم و اهدافشان را مورد بررسی قرار داد. این اهداف اما متفاوتند. امروز بحکم شرایط عینی جامعه سه جنبش اجتماعی در حال رقم زدن تحولات جامعه هستند. این سه جنبش عبارتند از جنبش کمونیسم کارگری. جنبش ناسیونالیسم بورژوازی پرو غرب و جنبش اسیونال-اسلامی شرقی. (برای بررسی مختصات این جنبشها به نوشته منصور حکمت، "سه جنبش، سه آینده"، انترناسیونال هفتگی شماره ۷، ۲۷ خرداد ۱۳۷۹، رجوع کنید.) این سه جنبش در اساس سه آلترناتیو متفاوت اجتماعی، سه آینده متفاوت، را در مقابل جامعه قرار میدهند. هرکدام از نیروهای سیاسی ای که شما در نوشته تان نام برده اید: حزب کمونیست کارگری، آقای رضا پهلوی، و سازمان مجاهدین خلق به هر یک از این جنبشهای متفاوت

تشکل علنی چیست و چه مشخصاتی را دارد؟

تشکل‌های علنی همانطور که از نام آن پیداست علنی وجود دارند و فعالیت میکنند، مردم میتوانند همین امروز به آن رجوع کنند و . . . این، یعنی علنی بودن، امکان فعالیت گسترده را به آنها میدهد، امکانی که تشکلات مخفی از آن برخوردار نیستند. هدف از تشکلات درست کردن رسیدن به هدف معینی است. هدف از تیم فوتبال درست کردن شرکت در بازی فوتبال و بردن بازی است. هدف از ایجاد تشکلات علنی در اینجا رسیدن به اهدافی هستند که ما در قسمتهای پیش به آن پرداختیم. هدف متحد و بسیج کردن تعداد هرچه بیشتری از مردم حول خواستههای انسانی و آزادیخواهانه هستند. هدف بردن سطح مبارزات علنی فعلی به مرحلهای است که توازن قوای موجود را به نفع ما تغییر دهد. خود علنی بودن این تشکلهای بزرگترین امکان را برای احراز این هدف در اختیار آنها قرار میدهد. امکانی که همانطور که گفته شد لزوماً شامل تشکلات مخفی نمیشود. آنها امکان اینرا دارند که تعداد وسیعی از مردم را خطاب قرار دهند، بحث کنند، هم‌نظری کنند و عمل مشترکی را با هم به پیش ببرند. این ما را به هدفی که داریم بسیار بیشتر نزدیک میکند. هدف از فعالیت سیاسی جدی اساساً این است که جامعه را از جایی به جای دیگری برد. هدف این است که از شر جمهوری اسلامی خلاص شویم و جامعه‌ای آزاد و برابر را بنا نهیم. ابزار این کار بجز مردمی که جانشان به لبشان رسیده‌است چیز دیگری نیست! همین باید به ما اهمیت تشکلات علنی و توده‌ای را نشان دهد.

تشکل‌های علنی بنا بر این خصوصیتی را دارند که مهمترین آنها را میتوان چنین نام برد:

- ۱- برای جواب دادن به خواسته‌های عمومی تشکیل میشوند. اگر قرار است که این تشکلهای میدانی برای فعالیت مشترک تعداد هرچه بیشتری از مردم باشد، بنابراین باید هدف چیزی باشد که بیانگر خواست تعداد هرچه بیشتری از مردم است و یا اینکه خواستی که میتوان بعد از مدتی کار آنرا به علاقه و تمایل تعداد هرچه بیشتری از مردم تبدیل کرد.

- ۲- براساس توازن قوای موجود در جامعه شکل میگیرند. در جوامعی که بخصوص در آنها حکومت‌های دیکتاتوری حاکم هستند و اینجا بطور مشخص در ایران، درجه امکان ایجاد چنین

تشکلاتی به توازن قوای موجود میان حکومت و مردم بستگی دارد. سالهای ۶۰ را همه ما بخوبی بیاد داریم. در شرایطی که قدرت سرکوب حکومت چنان است که بجز ارگانه‌های دولتی خودش چیز دیگری را تحمل نمیکند، ایجاد تشکلات علنی و توده‌ای مشکل خواهد بود. این شرایط به توازن قوای موجود در جامعه و قدرت خواستها و اعتراضات مردم از یکطرف و قدرت سرکوب رژیم از طرف دیگر بستگی دارد. جایی که مردم علناً در خیابان برای آزادی زندانیان سیاسی شعار میدهند، سرکوب تشکل علنی که برای این خواست مبارزه میکند امکان ناپذیر و یا مشکل میشود، چرا که پشتوانه این تشکل همان مردمی هستند که در خیابانها حضور دارند و همین توازن قوا را به نفع این تشکل چنان شکل میدهد که حکومت را وادار به نه تنها تحمل این تشکل که حتی به رسمیت شناختن آن میکند. بنابراین این تشکلهای براساس توازن قوای موجود در جامعه شکل میگیرند و عمل میکنند.

- ۳- شفاف و قابل دسترس هستند. نمیشود تشکل علنی را ایجاد کرد که آدرس مخفی است و امکان ارتباطگیری با آن محدود. اگر قرار است که مردم را در اینجا متحد و متشکل کنیم، بنابراین باید برای همین مردم قابل دسترس باشیم. این امکان پیوستن تعداد هر چه بیشتری از مردم را به ما زیاده‌تر میکند و به همان درجه امکان سرکوب این تشکل را برای حکومت مشکل‌تر میکند.

- ۴- از امکانات اجتماعی استفاده میکنند. تشکل علنی که از امکانات موجود اجتماعی که مدام قابل تغییر هستند استفاده نکند، راه پیوستن به این تشکل و احراز اهداف خود را بسته است.

دلیل علنی بودن هر تشکلی امکان استفاده از امکانات اجتماعی است، امکاناتی که "قاعدتا" فقط برای "خودی‌های" حکومت برسمیت شناخته میشوند، این امکانات از تجمعات علنی گرفته تا نشریات علنی و . . . را شامل میشود. اگر هدف متشکل کردن تعداد هرچه بیشتری از مردم است، بنابراین باید از این امکانات اجتماعی استفاده کرد. برای نمونه به دانشگاه‌ها بازگردیم. در شرایطی که در دانشگاه ما آمفی‌تاتری وجود دارد که ظاهراً همه دانشجویان اجازه استفاده از آنرا دارند، باید از این امکان استفاده کنیم و آنرا صرفاً برای انجمن

اسلامی نگذاریم. میشود که به صرف دانشجوی بودن در این دانشگاه و وجود تشکل علنی ما در آنجا از امکان این آمفی‌تاتر استفاده کنیم.

- ۵- غیر دولتی هستند. رژیم اسلامی از ابتدای سرکار آمدنش ارگانه‌های سرکوب خود را سازمان داد، در محلات، کارخانجات، دانشگاه‌ها و . . . اساساً وجود و ادامه حاکمیت آنها تا امروز به همین ارگانه‌ها وابسته بوده و هست. اگر مردم در برابر رژیم اسلامی تشکلات علنی خود را براساس خواسته‌های خود تشکیل میدهند، این به معنی آنست که این تشکلهای غیر دولتی هستند. وابسته به هیچ دسته و گروهی در دولت نیستند و خواسته‌های خود را در مقابل این حکومت قرار میدهند. همین جا به تشکلهای وابسته به دوم خرداد بپردازیم. آیا تشکلات مختلف این جبهه در دانشگاه‌ها بیان همان تشکلاتی هستند که اینجا به آن پرداختیم؟ قطعاً خیر! در ادامه به این مطلب باز میگردیم.

- ۶- روال تصمیم‌گیری در این تشکلهای علنی هستند. اگر میخواهیم که تعداد زیادی از مردم را در این تشکلهای جمع کنیم، اگر میخواهیم که مردم این تشکل را مال خود بدانند و از آن دفاع کنند و برای رسیدن به اهداف آن به خیابان بیایند. در نتیجه باید روال تصمیم‌گیری در این تشکل چنان علنی و شفاف باشد که امکان دخالت همه را در آن تضمین کند. آنجا که بعد از بحث و جدل علنی و عمومی حاضرین در یک جلسه تصمیم گرفته میشود که مثلاً برای آزادی زندانیان سیاسی اقدامی صورت گیرد، خود شرکت علنی مردم در روال این تصمیم‌گیری تضمینی برای اجرای آن و دفاع از آن است.

ما طرفدار حقیقت و رفاه انسانها هستیم، ما هیچ نفعی در ادامه حکومت مذهبی نداریم. ما خواهان برابری کامل زن و مرد هستیم. برای ما برابری انسانها مستقل از جنسیت، ملیت و رنگ پوست است بنابراین در همین اجتماعات بهترین امکان قانع کردن و هم نظر کردن را داریم. در رابطه با خصوصیات تشکلات علنی میتوان قطعاً نکات بیشتری را اضافه کرد. برای تعمق بیشتر میتوان به مباحثات حزب کمونیست کارگری ایران در این رابطه رجوع کرد. مباحثاتی که از طریق آدرس سایت این حزب www.wpiran.org قابل دسترس هستند.

به دانشگاه‌ها بازگردیم. طی چند سال گذشته ما شاهد شکل‌گیری

دفاتر و جبهه‌های مختلفی بوده‌ایم. جریان‌اتی حکومتی که تغییر نام دادند و علناً اعلام وجود کردند. از دفتر تحکیم وحدت تا جبهه متحد دانشجویی و انجمن‌های اسلامی و . . . سوال این است آیا اینها بیان همان چیزی هستند که ما به آن اشاره کردیم؟ جواب قطعاً منفی است!

این تشکلات برای جواب دادن به امر معینی شکل گرفتند. رشد اعتراضات مردم و اینجا دانشجویان و اینکه رژیم اسلامی دیگر به شکل گذشته نمیتوانست سرکوب کند و به حیات خود ادامه دهد، بخشهایی از حکومتیها را به ارائه راه حل دوم خرداد واداشت. راه حلی که اساساً برای جلوگیری از رشد اعتراضات مردم بود. پاسداران سابق تفنگ را کنار گذاشتند و دگراندیش شدند، خود را بعنوان سخنگویان جنبش دانشجویی اعلام کردند و سعی کردند که پتانسیل عظیم جنبش دانشجویی را به اسم خود ثبت کنند، به جناح دیگر هشدار دادند و سعی کردند که این پتانسیل را برای اهداف خود بکار برند، هدفی که چیزی جز نجات رژیم اسلامی از بحران نبود و نیست. هدفی که آینده‌ای جز شکست نمیتوانست داشته باشد و این شرایطی است که ما امروز با آن روبرو هستیم.

هدف این تشکلهای حفظ رژیم اسلامی است. اینها خودی‌های رژیم‌اند و از امکانات رژیم استفاده میکنند. کار این تشکلهای به توازن قوای میان جناحهای حکومتی بستگی دارد و . . . بنابراین این تشکلات اساساً بیان آنچه که ما گفتیم نیستند و آنچه که ما اینجا از آن سخن میگوییم در تقابل با این حکومتیان هستند.

سوال دیگر اینست که چه خواسته‌هایی را میتوان برای ایجاد تشکلهای علنی جلوی روی خود گذاشت؟ جواب به این سوال قطعاً آسان نیست و باید با توجه به شرایط موجودی که در محل وجود دارد به آن پاسخ گفت. از جمله این اهداف میتوان به نکات زیر اشاره کرد:

- لغو تبعیض جنسی. این خواستی است که همین امروز در اعتراضات ما وجود دارد و بخشهای زیادی از دانشجویان را مخاطب خود دارد. خواستی که ریشه در بیش از بیست سال تبعیض جنسی حکومت اسلامی دارد.

- آزادی زندانیان سیاسی. هر اعتراض ما در دانشگاه‌ها و هر اعتراض مردمی که در کارخانه و محلات و ادارات صورت میگیرد، موجی از دستگیری‌ها

را به دنبال خود دارد. خواستی آزادی زندانیان سیاسی، خواستی است که در تمام جامعه طرح است. وجود تشکل علنی دانشجویی که اینرا هدف خود قرار دهد، در کنار سمپاتی اقبال وسیعی از دانشجویان، هواداری و دفاع فعال کل جامعه را با خود خواهد داشت.

- خواسته‌های صنفی. این برای بسیاری از دانشجویان بهبود بخشیدن به شرایط زندگی و کار آنها در محیط دانشگاه‌ها است. این برای بسیاری از کارکنان دانشگاه‌ها مسئله روز بحران اقتصادی و فقر در جامعه است و این دقیقاً به همین دلیل از هواداری وسیعی در سطح جامعه برخوردار خواهد شد.

- کار فرهنگی. دانشگاه‌ها اساساً محلی برای کار فرهنگی بوده و هستند. "خودی‌های" دوم خردادی رژیم با استفاده از شرایط اختناق رژیم اسلامی و با محدود کردن آزادی مطبوعات به آزادی خودشان سعی کردند که به «زبان اعلام خواسته‌های ما!» در دانشگاه‌ها تبدیل شوند. حنایی که دیگر رنگی ندارد! ایجاد انجمنها و تشکلهای فرهنگی از اقبال عمومی در میان دانشجویان و سایر اقشار اجتماعی برخوردار خواهد شد.

- بحث آزاد سیاسی. جامعه ایران در تب و تاب مباحث سیاسی است. در تاکسی و صف اتوبوس در محله و محل کار حرف از رفتن رژیم اسلامی و آینده است. دانشگاه‌ها باید محلی برای بحث و گفتگوی مردم و دانشجویان باشند. طبیعی است که ما شاید علناً در رابطه با سرنگونی رژیم اسلامی و جامعه‌ای آزاد صحبت نکنیم ولی امکان بحث کردن را که میتوان بوجود آورد. ایجاد ارگانی که ترتیبی آزاد برای اظهار عقاید مردم باشد، سرعت پشتیبانی اقشار وسیعی را جلب خواهد کرد.

به این لیست میتوان قطعاً اضافه کرد. آنچه که اینجا مهم است ارتباط این ارگانه‌ها در سطح کل دانشگاه‌ها با هم و اعلام خواسته‌های واحد از یکطرف و محدود نشدن به دانشگاه‌ها از طرف دیگر است. ما در این رابطه به تفصیل در بخشهای گذشته صحبت کردیم.

نمیتوان از تشکل‌های علنی صحبت کرد و به تشکل دانشجویان کمونیست نپرداخت. ایجاد تشکلات علنی یکی از وظایف اصلی تشکل دانشجویان کمونیست است. در بخش آینده به این خواهیم پرداخت.

از صفحه ۲

خواهند بود، از آن مجموعه از امکانات برخوردار خواهند بود که پولشان قادر به پرداختش است. اما در طرف دیگر انسان بودن، نفس چشم کشودن به جامعه برای برخورداری از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی کافی است. یکی انسان و موقعیتش فلسفه وجودیش را تشکیل میدهد. دیگری ملت و قوم و ناسیونالیسم. انسانها را به ملتها و قومها تقسیم میکنند. و دیگری ترکیبی از امت و ملت. یکی خواهان جامعه‌ای بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسانهاست. دیگری مذهب همواره ابزاری در دستش بمنظور کنترل و خفه کردن اعتراضات و توقعات مردم بوده است. و آن دیگری اساسا خود مذهبی است. یکی برابری طلب است. نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه. دیگری ارزش و جایگاه انسان برایش بر مبنای موقعیت طبقاتی رقم میخورد و تعیین میشود. برتری و تمایز طبقاتی فرض و فلسفه وجودیش است. آقای اصلانی با این تفاسیر از فکر نمیکنید که تلقی شما از اینکه میگویند فکر نمیکنید اختلافی میان ۶۵ میلیون ایرانی که خواهان رها شدن از شر این حاکمیت هستند، وجود داشته باشد. نادرست است؟ ساده انگاری است؟ مبتنی است بر خصوصیت ضد رژیم این نیروهای اپوزیسیون، آنچه که نمیخواهند، و نه بر مبنای کلیت مطالبات و خواستهای این جنبشها، آنچه که میخواهند؟ باور کنید نمیشود طرفداران سلطنت، طرفداران بازار آزاد و رقابت سرمایه، طرفداران اسلام پاسوریزه علوی را با طرفداران سوسیالیسم و نابودی سرمایه را در یک ظرف ریخت، همشان زد و انتظار داشت که درهم ادغام شوند. یکی شوند.

امکان پذیر نیست. مطلوب نیست. آیا فکر نمیکنید که قبل از پرداختن به سؤال "چه باید کرد؟" باید به سؤال "چه میخواهیم؟" پرداخت؟ من از شما می‌پرسم: کدام جنبش اجتماعی، کدام افق، کدام پرچم سیاسی، کدام آلترناتیو را در اساس مبنای فعالیت خود قرار میدهند؟ انتخاب شما در هر صورت نمیتواند خارج از چهارچوب عمومی این جنبشها باشد. پاسخها داده شده‌اند. اما متفاوتند. مسائل و دردهای تکان دهنده‌ای که شما در مطلبتان بر شمردید، تماما از نقطه نظر ما پاسخ گرفته‌اند. فقر، فحشا، اعتیاد، بی حقوقی کارگر و انسان، جهل، نابرابری، اختناق، فساد، بوروکراسی و فساد اداری، جنایت و سنگسار و اعدام، همه و همه محصول گریز ناپذیر نظام سرمایه‌داری هستند. هر روز از نو در متن نظام سرمایه‌داری مدرن امروز باز تولید میشوند. حکمت وجودی خود را از نیازها و ملزومات نظامی میگیرند که بر جهان حاکم است. پاسخها وجود دارد. باید انتخاب کرد! توپ در زمین شماست؟ امروز مردم باید انتخاب کنند. مردم باید در خطوط کلی میان چپ و راست انتخاب کنند. انتخاب کنند که کدام آلترناتیو را بمشابه پرچم "نه"، پرچم "نه" به جمهوری اسلامی در جامعه بلند میکنند. انتخاب کنند که آیا میخواهند سرنوشت خود را خود در دست گیرند یا اینکه قرار است به قدرتهای غربی، به جنبشهای طرفدار غرب و استثمار و بازار آزاد و رقابت تکیه کنند؟ یا اینکه قرار است نظام و ساختار سیاسی و اقتصادی‌ای را پایه ریزی کنند که مبتنی بر دخالت مستمر و مستقیم خودشان در امر حاکمیت است. ما میکوشیم که مردم متوقع باشند. به کم رضایت ندهند. خود را محدود به انتخاب بین بد و بدتر نکنند. تمام آزادی، تمام برابری، تمام رفاه را بخواهند.

آلترناتیو چپ را، آلترناتیو آزادی، برابری و رفاه همگان را انتخاب کنند. امروز حزب کمونیست کارگری سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه است.

داخل و خارج؟

آقای اصلانی شما می‌پرسید: "چرا این همه سازمان و گروه و حزب و غیره هیچ پاسخی برای این پرسش اساسی چه باید کرد ندارند؟" و پاسخ را در این می‌یابید که فعالان اپوزیسیون اغلب در داخل کشور نیستند و وضعیت عینی ایران را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌شناسند. همانطور که گفتم پاسخها داده شده‌اند. باید انتخاب کرد. اما این پرسش و پاسخ هر دو غلطاند. پرسش غلط بناچار پاسخی غلط را نیز به دنبال خواهد شد. دوست عزیز این برداشتها، این شاخصها، بنظم سطحی‌اند. در یک بحث جدی جایی ندارند. متعلق به دوران جنینی و طفولیت فعالیت سیاسی جریان‌اتی محدود نگر و ناسیونالیستی هستند، که امیدوارم شاخص فعالیت شما نباشد. این شاخصها نه تنها شما را به حقیقت سیاسی نزدیک نمی‌کنند، بلکه پروسه‌ای برای دور شدن از شناخت و ارزیابی واقعی‌اند. چرا که به محض اینکه همسایه شما، همکلاسی شما، کارگر فلان کارخانه، فعال سیاسی جنبش برابری طلبی زنان، فلان جوان آزادیخواه و رادیکال این افق را، این پاسخ را، این برنامه را پیش روی شما قرار دهد، خلع سلاح میشود. ناچار به انکار واقعیت میشوید! ببینید جنبشهای اجتماعی، افقهای اجتماعی، سنتهای اجتماعی، داده‌ای قائم به ذات در جامعه هستند. گرایش ناسیونالیستی پرو غربی و یا گرایش سوسیالیسم کارگری هر کدام یک واقعیت عینی جامعه‌اند. تولید و باز تولید میشوند. دچار افت و خیز میشوند. اما وجود دارند. چرا

که انعکاس اعتراض و کشمکش طبقاتی‌اند. بطور مثال کمونیسم کارگری از نظر اجتماعی یعنی اعتراض ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر. این جنبش عینی است. یک گرایش قوی و قدرتمند در جنبش کارگری است. یک حرکت اجتماعی زنده در جامعه است. بیان اعتراض اجتماعی کارگر است. به اطراف نگاه کنید. غیر قابل انکار است. این گرایش امروز یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی جاری در ایران است. می‌گویند: "نبود شما در درون کشور باعث میشود که پدیده اعتیاد برای شما در چند عدد و آمار و گزارش خلاصه شود." من از شما می‌پرسم: آیا عدم حضور شما در آفریقای جنوبی باعث میشود که اپیدمی ایدز برایتان در آمار و ارقام خلاصه شود؟ آیا عدم حضور شما در کارخانجات همان جاده کرج باعث میشود که بی حقوقی کارگر، و یا عدم پرداخت چندین ماهه دستمزد و مزایای کارگران بافناز، جامکو، نساجی قائم شهر برای شما در آمار و ارقام خلاصه شود؟ آیا جنسیت شما باعث میشود که بی حقوقی و فرودستی زنان برای شما بصورت آمار و ارقام جلوه گر شود؟ آیا عدم حضور شما در کابل باعث میشود که اعدام زنان در نقطه پنالتی تنها ورزشگاه کابل برایتان فقط آمار باشد؟ آیا نبود شما در روواندا باعث میشود که نسل کشی هوتو و توتسی از یکدیگر برای شما در آمار و ارقام خلاصه شود؟ آیا نبود شما در برزیل باعث میشود که شکار و درد و رنج کودکان خیابانی برایتان آمار و ارقام باشد؟ بنظر من که اینطور نیست. شما بگویند آیا واقعا پدیده اعتیاد با همه ابعاد و گستردگی آن در ایران معضلی مختص ایران است؟ پدیده‌های ایرانی است؟ راه حل ایرانی دارد؟

ادامه در شماره بعد

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628

0044 776 110 66 83

0049 163 26 93 033

0046 70 48 68 647

0049 172 2957603

0049 174 944 02 01

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

لیلا روشن ضمیر

فرشاد پویا

نهبه‌ز احمدزاده

مریم طاهری

بهرام مدرسی

از این سایت ها دیدن کنید: www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

دانمارک:

انگلستان:

آلمان:

سوئد:

ترکیه:

دبیر کمیته مرکزی:

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدبیر: شریا شهابی

Tel: 001-416 434 1545

Fax: 001-781 735 8359

E-Mail: shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanana.org

Address: Jawanana

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!